

مجالس عارفان

بیست و دو مجلس نویافته از
ابوسعید ابوالخیر - خواجه یوسف همدانی
و عارفی ناشناخته

تحقیق و تصحیح

اکبر راشدی نیا



فرهنگ معاصر
تهران ۱۳۹۴

فهرست

- فهرست..... ۹
- پیشگفتار..... ۱۳
- مقدمه مصحح..... ۱۵
۱. مجالس ابوسعید ابوالخیر ۱۷
- الف. حیات معنوی و اجتماعی ابوسعید ابوالخیر ۱۷
- ب. مجالس ابوسعید ابوالخیر ۲۲
۲. خواجه یوسف همدانی ۴۶
- الف. حیات معنوی و اجتماعی خواجه یوسف همدانی ۴۶
- ب. مجالس خواجه یوسف همدانی ۶۴
- ج. اختلاف خواجه یوسف همدانی با خواجه احمد غزالی ... ۶۷
۳. مجالسی از عارفی ناشناخته ۶۹
- الف. صاحب مجالس ۶۹
- ب. مقایسه متن مجالس با کتاب روح الارواح ۷۲
- ج. مقایسه مجالس با کشف الاسرار ۷۸
۴. معرفی نسخه و شیوه تصحیح ۸۰
- الف. مشخصات نسخه ۸۰
- ب. ویژگی های رسم الخطی این مجموعه ۸۳

یادداشت‌های مجالس ابوسعید ابوالخیر..... ۲۳۱

یادداشت‌های مجالس خواجه یوسف همدانی..... ۲۴۱

یادداشت‌های مجالسی از عارفی گمنام..... ۲۵۰

نمایه‌ها..... ۲۷۹

۱. آیات..... ۲۸۱

۲. احادیث..... ۲۸۵

۳. اقوال مشایخ..... ۲۸۹

۴. اشعار..... ۲۹۱

۵. اصطلاحات و تعابیر خاص..... ۲۹۴

۶. جای‌ها..... ۲۹۸

۷. کتابها..... ۳۰۰

۸. نام اشخاص..... ۳۰۴

کتابنامه..... ۳۱۲

ج. شیوه تصحیح..... ۸۵

مجالس ابوسعید ابوالخیر..... ۹۵

<۱> مجلس اول..... ۹۷

<۲> مجلس دوم..... ۱۰۱

<۳> مجلس سوم..... ۱۰۴

<۴> مجلس چهارم..... ۱۰۹

<۵> مجلس پنجم..... ۱۱۴

<۶> مجلس ششم..... ۱۱۹

<۷> مجلس هفتم..... ۱۲۵

<۸> مجلس هشتم..... ۱۲۹

مجالس خواجه یوسف همدانی..... ۱۳۱

<۱> مجلس اول..... ۱۳۳

<۲> مجلس دوم..... ۱۳۵

<۳> مجلس سوم..... ۱۴۲

<۴> مجلس چهارم..... ۱۴۶

<۵> مجلس پنجم..... ۱۴۸

<۶> مجلس ششم..... ۱۵۲

<۷> مجلس هفتم..... ۱۵۵

<۸> مجلس هشتم..... ۱۵۹

مجالسی از عارفی ناشناخته..... ۱۶۳

<المجلس الثالث من كلامه رضى الله عنه >..... ۱۶۵

المجلس الرابع من كلامه رضى الله عنه..... ۱۷۴

المجلس الخامس من كلامه رضى الله عنه..... ۱۹۱

المجلس السادس من كلامه رضى الله عنه..... ۲۰۰

المجلس السابع من كلامه رضى الله عنه..... ۲۱۲

المجلس الثامن من كلامه رضى الله عنه..... ۲۲۴

یادداشت‌ها..... ۲۲۹

روشن نیست اما خواجه یوسف با سخنان و مجالس احمد غزالی کاملاً آشنا بوده است^۱ و نسبت به جذبۀ و کشش کلام وی احساس خطر می‌کرد ابن حجر عسقلانی به نقل از سمعانی می‌گوید: «شیخ ما یوسف بن ایوب الهمدانی نسبت به احمد غزالی بدگمان بود و می‌گفت: احمد غزالی طریقت را آلوده کرده است. یک بار کلام او را که شنید گفتم: کلام وی همانند شراره‌های آتش است اما کشش آن شیطانی است نه ربّانی. دین او از دستش رفته و دنیا نیز برایش باقی نمی‌ماند.»^۲

هم‌چنین نجم‌الدین رازی نقل می‌کند که: «شخصی در خدمت خواجه امام یوسف همدانی باز می‌گفت به تعجب که در خدمت شیخ احمد غزالی، رحمة الله علیه، بودم بر سفرۀ خانقاه با اصحاب طعام می‌خورد، در میانه آن از خود غایب شد، چون با خود آمد گفتم: این ساعت پیغمبر را، علیه السلام، دیدم که آمد و لقمه در دهان من نهاد. خواجه امام یوسف فرمود: تلک خیالات تربّی بها اطفال الطریقة. گفت آن نمایش‌هایی باشد که اطفال طریقت را بدان پرورند.»^۳

۳. مجالسی از عارفی ناشناخته

الف. صاحب مجالس

بخش نخست از نسخه حاضر رساله‌ای است مشتمل بر مجالسی که در آن هیچ اشاره‌ای به صاحب مجالس نشده است، و ظاهراً علت آن افتادگی آغاز رساله است. این رساله تقریباً از اواسط مجلس دوم شروع شده و به مجلس هشتم ختم می‌شود. البته در مجلس هشتم نیز بخشی از متن افتاده که کاملاً مشخص نیست این افتادگی بخشی از مجلس هشتم می‌باشد یا مجالس دیگری نیز وجود داشته که به مرور زمان از بین رفته است.

با اینکه در رساله نشانی از نام صاحب مجالس وجود ندارد اما با توجه به ادبیات و ساختار جملات این مجالس و حقایق و لطایفی که در آن‌ها ذکر شده است می‌توان گفت که این مجالس توسط یکی از مشایخ عرفان و تصوف در سده‌های پنجم و ششم ایراد شده است.

ادبیات و محتوای این مجالس شباهت‌های زیادی با آثاری هم‌چون کشف الأسرار مبینی، روح الأرواح فی شرح أسماء الملک الفتاح و الستین الجامع للطائف البساطین دارد و شواهد متعددی وجود دارد که مولف کتاب روح الأرواح را با این مجالس مرتبط می‌سازد؛ شواهدی همچون:

الف. وجود حکایاتی که علاوه بر محتوا در عبارات نیز یکسان هستند.

ب. استفاده از لغات و تعابیر مشترک.

ج. ترجمۀ یکسان عبارات عربی.

د. انشاء هر دو اثر در قرن پنجم و ششم چه اینکه متأخرترین مطالبی که

۱. برای حضور خواجه یوسف همدانی در مجالس احمد غزالی نک: نصرالله پورجوادی، مجالس احمد غزالی با حضور یوسف صوفی، معارف، دوره نوزدهم، شماره ۱، ص ۳-۲۱.

۲. ابن حجر، لسان المیزان، ج ۱، ص ۲۹۳؛ شبیه به همین مضمون در: ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک، ج ۱۷، ص ۲۳۹؛ ذهبی، العبر فی خبر من غیر، ج ۲، ص ۴۱۳؛ ابن قاضی الشهبة، مناقب الامام الشافعی و طبقات أصحابه، ص ۶۵۱؛ ابن عماد، شذرات الذهب فی أخبار من ذهب، ج ۶، ص ۹۹.

۳. نجم‌الدین رازی، مرصاد العباد، ص ۲۹۷.

۴. ادبیات کتاب و ساختار لغات آن بیشتر شبیه متون قرن هفتم و نهایتاً اواخر قرن ششم می‌باشد.

گو اینکه همین ایرادات باعث شده که استاد محمدتقی دانش‌پژوه چنین نسبتی را نپذیرند. او می‌گوید: از مؤلف این کتاب (روح الارواح) در نسخه کابل یاد نشده ولی در نسخه توینگن چنان که در فهرست دیده می‌شود، شهاب‌الدین ابوالقاسم عبدالله بن المظفر السمعانی رحمة الله علیه، آمده است. در نسخه آستان قدس، شهاب‌الدین ابوالقاسم احمد بن ابی‌المظفر منصور السمعانی، آمده است. در نسخه مجلس احمد بن منصور سمعانی نامیده شده است. در نسخه آقای همایون فرخ هم نامش مانند نسخه توینگن برده شده است. من شهاب‌الدین ابوالقاسم عبد الله بن مظفر سمعانی و شهاب‌الدین ابوالقاسم احمد بن ابی‌المظفر منصور سمعانی را نتوانستم بشناسم ... به گمان من باید همه این نسخه‌ها را خواند و با هم مقابله نمود بلکه مؤلف را درست شناخت.» وی بعد از بررسی هفت نسخه این اثر می‌گوید: «از آن‌چه تاکنون گفته‌ایم به دست می‌آید که این کتاب ناشناخته نیست. در فهرست آستان قدس مورخ ۱۳۰۵ خ و فهرست طوقپوسرای مورخ ۱۹۶۱ و فهرست بورکری مورخ ۱۹۶۴ آن را شناسانده‌اند... ولی جای سخن در مؤلف آن هست و باید بررسی بیشتری نمود تا شاید او را شناخت.»^۱ و استاد احمد منزوی بی‌هیچ تردیدی نویسنده این کتاب را غیر از ابوالقاسم احمد بن منصور دانسته و تصریح می‌کند که صاحب "روح الارواح" از دانشمندان سده ۶ یا آغاز ۷ قمری است و او غیر از ابوالقاسم احمد بن منصور سمعانی است که پیرامون سال پانصد می‌زیست.^۲

در این مجالس نقل شده است از رساله ابوالقاسم قشیری (ف ۴۶۵) است که از وی به «استاد قشیری رحمة الله» یاد می‌کند.

البته قابل ذکر است که ارتباط این مجالس با کتاب روح الارواح با توجه به اینکه مؤلف روح الارواح خود نیز شخصی ناشناخته است تأثیر چندانی در شناخت صاحب این مجالس نخواهد داشت.

آقای نجیب مایل هروی در مقدمه کتاب روح الارواح این اثر را نوشته احمد بن ابوالمظفر منصور بن محمد بن عبدالجبار سمعانی (ف ۵۳۴) معرفی کرده است، ولی به دلایل متعدد چنین انتسابی پذیرفتنی نیست:

۱. نویسنده روح الارواح یقیناً یکی از بزرگان تصوف بوده اما احمد بن منصور سمعانی صرفاً فقیه و محدث بوده است. عبدالکریم سمعانی صاحب الانساب که برادرزاده و شاگرد احمد بن منصور است هیچ اشاره‌ای به تصوف او نمی‌کند و از او صرفاً با عنوان فقیه و محدث یاد می‌کند با اینکه وی افراد متعددی را با عنوان صوفی معرفی کرده است،^۱ حتی از افرادی که جنبه تصوف آن‌ها مغلوب جهات دیگر بوده با تعبیری هم‌چون «فکان فقیهاً صوفیاً»^۲، «متعبداً صوفیاً»^۳، «راغباً فی الحدیث صوفیاً»^۴ یاد کرده است. افزون بر آن کتابی به نام "روح الارواح" را از عمویش گزارش نکرده است.
۲. در اکثر نسخه‌های به جای مانده از "روح الارواح" نام مؤلف شهاب‌الدین ابوالقاسم ذکر شده است و حال آنکه در هیچ یک از منابع تاریخی و تراجم از احمد بن منصور به شهاب‌الدین یاد نشده است.
۳. نام مؤلف در بعضی نسخ ابوالقاسم عبدالله ذکر شده است با اینکه نام احمد بن منصور ابوالقاسم احمد است.

۱. نک: سمعانی، الأنساب، ج ۲، ص ۳۸۸؛ ج ۷، ص ۶۵، ۱۸۷، ۲۴۳؛ ج ۱۱، ص ۱۵۸؛ ج ۱۲، ص ۸۲، ۱۶۳؛ ج ۱۵، ص ۵۵.

۲. سمعانی، الأنساب، ج ۲، ص ۳۰۲.

۳. همان: ج ۶، ص ۳۴۲.

۴. همان: ج ۷، ص ۳۹.

۱. دانش‌پژوه، روح الارواح سمعانی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، بهمن ۱۳۴۶، شماره ۶۰ و ۶۱، ص ۳۰۰-۳۱۵.

۲. احمد منزوی، فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۷، ص ۴۴۵.